



درس سوم

## الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ...﴾ الرَّؤْم: ٤٨

خدا همان کسی است که بادهای را می فرستد و [بادها] ابری را  
برمی انگیزند و [خدا] آن [ابر] را در آسمان می گستراند.

## الدَّرْسُ الثَّالِثُ

## مَطَرُ السَّمَكَ

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟!  
 آیا باور می کنی که در روزی از روزها ماهی هایی را ببینی که پی در پی از آسمان می افتند؟  
 إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛  
 قطعاً بارش باران و برف از آسمان، یک چیز طبیعی است  
 وَلَكِنْ أَيْمَكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكَ؟!  
 ولی آیا ممکن است باران ماهی را ببینیم؟  
 هَلْ تَتَنُّنُ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟!  
 آیا گمان می کنی که آن باران، واقعی است و یک فیلم خیالی نیست؟  
 حَسَنًا فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.  
 بسیار خوب پس به این تصاویر نگاه کن تا باور کنی



أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تَشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛  
با دقت نگاه کن. تو افتادن ماهی ها از آسمان را مشاهده می کنی  
كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكَ.

گوی آسمان ماهی های را می بارد

يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرِ السَّمَكِ».  
مردم این پدیده طبیعی را «باران ماهی» می نامند.

حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.  
این پدیده سال های طولانی مردم را متحیر کرد و پاسخی برایش نیافتند

يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.  
«باران ماهی هر ساله در جمهوری هندوراس در آمریکای مرکزی رخ می دهد



تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً؛ فَيُشَاهِدُ النَّاسُ غَيْمَةً سَوْدَاءَ  
این پدیده گاهی دوبار در سال اتفاق می افتد پس مردم، یک ابر سیاه بزرگ

عَظِيمَةً، وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا، وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةِ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ، ثُمَّ  
ورعد و برق و بادهای قوی و باران شدیدی را به مدت دو ساعت یا بیشتر ملاحظه می کنند سپس

تُصِحُّ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.

زمین پوشیده از ماهی ها می شود سپس مردم آنها را برای پختن و خوردنشان می برند





حَاوَلِ الْعُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِيَزَارَةَ الْمَكَانَ  
 دَانِشْمَنْدَانِ بَرای سَنَاحْتَن رَاژَ آن پَدِيدَه ی عَجِيبَ كُوشِيدَنَد. سِپَس گُروهی رَا بَرای دِيدَن مَكَانِ  
 وَ التَّعْرِيفِ عَلَيَّ الْأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَسَاقَطُ عَلَيَّ الْأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الْأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا  
 وَ سَنَاحْتَن مَاهِي هَائِي كِه بَعْدَ آرَ اَيْن بَارَانِ هَائِي شَدِيدِ پِي دَرِ پِي بَرِزْمِينِ مِي افْتَنَد، فَرِسْتَاذَنَد پَس دَرِیافتَنَد  
 أَنَّ أَكْثَرَ الْأَسْمَاكِ الْمُنْتَشِرَةِ عَلَيَّ الْأَرْضِ مِنْ نَوْعِ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الْعَرِيبَ فِي الْأَمْرِ، أَنَّ  
 كِه بِيَشْتَرِ مَاهِي هَائِي پَحْشِ شُدِه بَرِ رُوی زَمِينِ، اَزِ يَكِ نَوْعِ هَسْتَنَد. وَلِي نَكْتَه عَجِيبِ كَارِ اَيْنِ اسْتِ كِه  
 الْأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالْمِيَاهِ الْمُجَاوِرَةِ، بَلْ بِمِيَاهِ الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ  
 مَاهِي هَا مُتَعَلِّقَ بَهْ اَبْهَائِ مُجَاوِرِ نَيْسْتَنَد بَلَكِه مُتَعَلِّقَ بَهْ اَبْهَائِ اَقْيَانُوسِ اَطْلَسِي هَسْتَنَد كِه بَهْ مَسَافَتِ  
 مَسَافَةِ مِئَتِي كِيلُومِتْرٍ عَن مَحَلِّ سُقُوطِ الْأَسْمَاكِ.  
 دُويَسْتِ كِيلُومِتْرٍ اَزِ مَحَلِّ افْتَادَنِ مَاهِي هَا دُورِ مِي بَاشَد

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ إِعْصَارٌ شَدِيدٌ؛ فَيَسْحَبُ الْأَسْمَاكِ إِلَى  
 دَلِيلِ تَشْكِيلِ اَيْنِ پَدِيدَه چِيَسْت؟  
 كَرْدَبَادِ شَدِيدِی رِخِ مِي دَهْدِ وَ مَاهِي هَا رَا  
 السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ، وَيَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ وَعِنْدَمَا يَفْقَدُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ عَلَيَّ الْأَرْضِ.  
 بَا قَدْرَتِ بَهْ اَسْمَانِ مِي كَشْدِ وَ اَنَهَارَا بَهْ مَكَانِي دُورِ مِي بَرْدِ وَ زَمَانِي كِه سَرْعَتَشِ رَا اَزِ دَسْتِ مِي دَهْدِ، پِي دَرِ پِي بَهْ زَمِينِ مِي افْتَنَد  
 يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الْهُندُورَاسِ بِهَذَا الْيَوْمِ سَنَوِيًّا وَيُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانَ مَطَرِ السَّمَكِ».  
 مَرْدَمِ دَرِ هِنْدُورَاسِ هَرِ سَالَهِ اَيْنِ رُوزِ رَا جِشَنِ مِي كِيرِنَدِ وَ اَنِ رَا «جِشَنَوَارَهِ بَارَانِ مَاهِي» مِي نَامِنَدِ

ماضی	أَثَارَ	برانگیخت	ماضی	حَيْرَانِ كَرْد
ماضی	إِحْتَفَلَ	جشن گرفت	ماضی	كَشِيد
ماضی	أَصْبَحَ	شد	ماضی	نَامِيد
	إِعْصَار	گردباد «جمع: أَعْصِير»		سِيَاه (مَوْثَثِ أَسْوَد)
	أَمْرِيكَا الْوُسْطَى	آمریکای مرکزی		سَالَانِه
ماضی	أَمَطَرَ	باران بارید	ماضی	بَاوَر كَرْد مضارع «حَتَّى تُصَدَّقَ: تا باور کنی»
ماضی	بَسَطَ	گستراند		
ماضی	بَعَدَ	دور شد		پدیده «جمع: ظواهر» جمع مکسر «پدیده ها»
مضارع	تَرَى	می بینی «أَنْ تَرَى: که بینی»		فیلم «جمع: أفلام» جمع مکسر «فیلم ها»
ماضی	تَسَاقَطَ	پی درپی افتاد		اِقْيَانُوسِ اِطْلَسِ ترکیب وصفی
	التَّعَرَّفُ عَلَيَّ	شناختن	جمع مکسر	پوشیده بر وزن مفعول
	تَلَجَّ	برف، یخ «جمع: ثُلُوج» برف ها»		جشنواره
	حَسَنًا	بسیار خوب		پایین آمدن، بارش

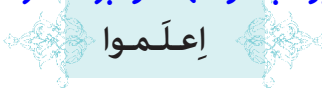
صحيح و خطا را بر حسب متن درس مشخص کن

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهُندِ وَرَأْسَ بَهْدَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يَسْمَوْنَهُ «مِهْرَجَانَ الْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقَدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.  
زمانی که گردباد سرعتش را از دست می دهد، ماهی ها پی در پی به زمین می افتند
- ۳- يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.  
دانشمندان از شناختن راز آن پدیده طبیعی عجیب ناامید شدند
- ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.  
قطعا بارش باران و برف از آسمان یک امر طبیعی است
- ۵- تَحَدَّثَ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.  
این پدیده ده بار در سال اتفاق می افتد

1. ثلاثی مجرد فعل‌هایی که صیغه مربوط به هو آنها سه حرف است (خَرَجَ)
2. ثلاثی مزید فعل‌هایی که صیغه مربوط به هو آنها علاوه بر سه حرف اصلی حروف زائد دارد (استَخْرَجَ)



## الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَالْمَزِيدُ (۱) شکل‌های فعل‌ها

فعل‌ها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شوند.

**گروه اول:** ثلاثی مجرد؛ یعنی فعل‌هایی که ساختِ ماضی «مفرد مذکر غایب» آنها فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شود. بیشتر فعل‌های عربی متوسطه اول این‌گونه بودند؛ مانند: خَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

**گروه دوم:** ثلاثی مزید؛ فعل‌هایی که ساختِ ماضی «مفرد مذکر غایب» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دارد؛ مانند: اسْتَخْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و تَشَكَّرَ. این فعل‌ها علاوه بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد. این فعل‌ها هشت دسته‌اند که به هر دسته «باب» گفته می‌شود.

در جدول زیر به ترتیب، چهار باب ثلاثی مزید «استفعال، افتعال، انفعال و تفعل» آمده است.

	مصدر	دوم شخص مفرد مذکر	سوم شخص مفرد مذکر	سوم شخص مفرد مذکر
	الْمَصْدَرُ	الْأَمْرُ	الْمُضَارِعُ	الْمَاضِي
باب استفعال	اسْتِفْعَالُ	اسْتَفْعَلِ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلَ
باب افتعال	اِفْتِعَالُ	اِفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَ
باب انفعال	اِنْفِعَالُ	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَ
باب تفعل	تَفْعُلُ	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ

۱- دانش‌آموز باید وزن‌های فعل‌ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.

سوم شخص مفرد مذکر سوم شخص مفرد مذکر دوم شخص مفرد مذکر مصدر

أَلْبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَر
اِسْتِفْعَال	اِسْتَرْجَع: پس گرفت	يَسْتَرْجِع: پس می گیرد	اِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	اِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
اِفْتِعَال	اِسْتَعَلَّ: کار کرد	يَسْتَعِلُّ: کار می کند	اِسْتَعِلَّ: کار کن	اِسْتِغَال: کار کردن
اِنْفِعَال	اِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می شود	اِنْفَتَحْ: باز شو	اِنْفِتَاح: باز شدن
تَفَعُّل	تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش آموخته می شود	تَخَرَّجْ: دانش آموخته شو	تَخْرُج: دانش آموخته شدن

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: خودت را بیازمای

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَرِيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.  
فعل های ثلاثی مزید را ترجمه کن سپس نوع باب را مشخص کن

باب

اِسْتِفْعَال

سوم شخص مفرد مذکر  
يَسْتَخْفِرُ: **آمزش می خواهد**

سوم شخص مفرد مذکر  
اِسْتَعْفَرَ: **آمزش خواست**

ماضی مضارع

امر مصدر

مصدر

اِسْتِخْفَار: آمزش خواستن

دوم شخص مفرد مذکر  
اِسْتَعْفَرُ: **آمزش بخواه**

اِفْتِعَال

سوم شخص مفرد مذکر  
يَعْتَذِرُ: **پوزش می خواهد**

سوم شخص مفرد مذکر  
اِعْتَذَرَ: **پوزش خواست**

ماضی مضارع

امر مصدر

مصدر

اِعْتِذَار: پوزش خواستن

دوم شخص مفرد مذکر  
اِعْتَذِرْ: **پوزش بخواه**

اِنْفِعَال

سوم شخص مفرد مذکر  
يَنْقَطِعُ: **بریده می شود**

سوم شخص مفرد مذکر  
اِنْقَطَعَ: **بریده شد**

ماضی مضارع

امر مصدر

مصدر

اِنْقِطَاع: بُریده شدن

دوم شخص مفرد مذکر  
اِنْقَطِعْ: **بریده شو**

تَفَعُّل

سوم شخص مفرد مذکر  
يَتَكَلَّمُ: **سخن می گوید**

سوم شخص مفرد مذکر  
تَكَلَّمَ: **سخن گفت**

ماضی مضارع

امر مصدر

مصدر

تَكَلُّم: سخن گفتن

دوم شخص مفرد مذکر  
تَكَلَّمْ: **سخن بگو**

## الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي

پیش از آشنایی با فعل لازم و متعدی با مفهوم فعل، فاعل و مفعول آشنا شوید.

**فعل**، کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.

**فاعل**، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

**مفعول**، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود.

فعلی که معنای آن با فاعل کامل می‌شود و به مفعول نیاز ندارد، فعل لازم<sup>۱</sup> نام دارد.

مثال: رَجَعَ جَوَادٌ: جواد برگشت. تَجَلَّسَ سَاجِدَةٌ: ساجده می‌نشیند.

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی‌شود و به مفعول نیاز دارد، فعل متعدی<sup>۲</sup> گفته می‌شود.

مثال: أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً: جواد نامه‌ای را فرستاد. يَقَطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ: نجار چوب را می‌برد.

خودت را آزمایش کن: این جمله‌ها را ترجمه کن و فعل متعدی را مشخص کن

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَّ.

فعل متعدی

فعل متعدی

۱- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ...﴾ یوسف: ۲۴

..... قطعاً من یازده ستاره و خورشید و ماه را دیدم، آنها را در حال سجده کنار بر خودم دیدم.....

۲- ذَهَبَتْ طَالِبَةٌ لِإِطْفَاءِ الْمَكِّيَّاتِ. دانش آموزی برای خاموش کردن کولر هارفت.....

فعل متعدی

۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرَرِ. ...خداوند آسمان را با ستاره‌هایی مثل مروارید هازینت داد

۴- تَنَمُّو الشَّجَرَةَ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ. درخت از دانه‌ای کوچک می‌روید.....

فعل متعدی

۵- اِشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدًا حَاسِبًا لَهُ. پدر حامد برایش رایانه‌ای خرید.....

۱- فعل‌های باب «انفعال» لازم هستند؛ مثال:

انْقَطَعَ: قطع شد / انْفَتَحَ: باز شد / اِنْهَدَمَ: ویران شد / اِنْفَجَرَ: منفجر شد / اِنْبَسَطَ: گسترده شد.

۲- بسیاری از فعل‌های دو باب «افعال» و «تفعیل» متعدی هستند؛ مثال:

أَخْرَجَ: درآورد / أَنْزَلَ: پایین آورد / أَجْلَسَ: نشانید / عَلَّمَ: یاد داد / صَيَّرَ: گردانید / فَرَّجَ: شاد کرد



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

## حوار گفتگو

(في قِسمِ الْجَوَازَاتِ)  
در بخش گذرنامه‌ها در فرودگاه

المُسَافِرُ الْإِيرَانِيُّ مسافر ایرانی	شُرْطِيٌّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ پلیس اداره گذرنامه‌ها
نَحْنُ مِنْ إِيرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابِلٍ. ما از ایران و از شهر زابل هستیم	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟ خوش آمدید. از کدام کشور هستید؟
أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي. متشکرم ازت سرورم	مَرْحَبًا بِكُمْ. شَرَّفْتُمُونَا. <sup>۲</sup> خوش آمدید. ما را مشرف فرمودید
أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ؛ الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ. این زبان را دوست دارم. عربی زیباست	مَا شَاءَ اللَّهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا! ما شاء الله عربی را خوب صحبت می‌کنی
سِتَّةٌ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ. <sup>۵</sup> شش نفر. پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم	كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟ <sup>۴</sup> تعداد همراهان چنداناست؟
نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِّنَّا بِطَاقَتِهِ بِيَدِهِ. بله، هر یک از ما کارتش در دستش است	أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بَطَاقَاتٌ <sup>۶</sup> الدُّخُولِ؟ خوش آمد به مهمانان. آیا بلیط‌های داخل شدن دارید؟
عَلَى عَيْنِي. به روی چشم	الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْإِسَارِ لِلتَّفْتِيْشِ. <sup>۷</sup> مردها در سمت راست و زن‌ها در سمت چپ برای بازرسی
نَحْنُ جَاهِزُونَ. <sup>۸</sup> ما آماده‌ایم	رَجَاءٌ؛ إِجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ. لطفاً گذرنامه‌هایتان را در دستانتان قرار دهید

۱- جواز: گذرنامه ۲- مَرْحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید ۳- شَرَّفْتُمْ: مشرف فرمودید ۴- مُرَافِقٍ: همراه ۵- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ: پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم ۶- بَطَاقَةُ: کارت، بلیت ۷- تَفْتِيْشٍ: بازرسی ۸- جَاهِزٌ: آماده



### التَّمَرِين

آلَتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: جملة ی صحیح و غیر صحیح را بر حسب حقیقت و واقعیت مشخص کن



عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَ غَيْرَ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.



۱- «الْمَهْرَجَانُ» اِحْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مَهْرَجَانِ الْأَفْلَامِ.  
جشنواره جشنی به مناسبتی زیباست. مانند جشنواره گل ها و جشنواره فیلم ها



۲- «الثلجُ» نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.  
برف نوعی از انواع بارش آب از آسمان است که فقط بر روی کوه‌ها می بارد



۳- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورِوزِ؛ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الْهَجْرِيَّةِ الشَّمْسِيَّةِ.  
ایرانی ها نوروز را بعنوان اولین روز از روزهای سال شمسی جشن میگیرند



۴- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ، وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.  
ماهی ها در رودخانه و دریا زندگی میکنند و انواع مختلفی دارند



۵- الْإِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.  
گردباد، باد شدیدی است که از مکانی به مکان دیگر جا به جا نمی شود

۱- لَا تَنْتَقِلُ: جا به جا نمی شود

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.»

كولر ۱- مَكِّيْفُ الْهَوَاءِ

6 ۱- بَدْرُسُ فِيهِ الطَّلَابُ.

دانش آموزان در آن درس می خوانند

زردآلو ۲- الْمِشْمِشُ

5 ۲- بَحْرٌ كَبِيرٌ وَاسِعٌ بَيْنَ الْقَارَاتِ.

دریای بزرگ پهناوری میان قاره ها

بسته ۳- الْمَغْلَقُ

3 ۳- مَا لَيْسَ مَفْتُوحًا؛ بَلْ مَسْدُودًا.

آنچه باز نیست. بلکه بسته شده است

سرسبز ۴- الْخَضِرَةُ

1 ۴- جِهَازٌ لِخَلَاصٍ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.

وسیله ای برای رهایی از گرمای تابستان

اقیانوس ۵- الْمَحِيْطُ

2 ۵- فَآكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً وَ غَيْرَ مُجَفَّفَةٍ.

میوه ای که مردم آن را خشک شده و غیر خشک هم میخورند

کلاس ۶- الْصَّفُّ



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ.

نازل کرد شد جشن بالا برد بالا رفتن شد اتاق جشنواره پایین آمدن اتاق

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حُجْرَةَ / مِهْرَجَانَ / نُزُولَ / غُرْفَةَ

حَفَلَةٌ = غُرْفَةٌ

أَصْبَحَ = صَارَ

حَفَلَةٌ = مِهْرَجَانٌ

أَنْزَلَ ≠ رَفَعَ

صُعُودٌ ≠ نُزُولٌ

جملات زیر را ترجمه کن و فعل های متعدی را مشخص کن  
الْتَمَرِينَ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْجَمَلَ التَّالِيَةَ، وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّي.

۱- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا<sup>۲</sup>. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مردم خفتگان هستند. پس هرگاه بمیرند بیدار می شوند.

۲- شَاهِدَ النَّاسُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ.

مردم افتادن ماهی ها را از آسمان مشاهده کردند.

۳- يَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعُدْوَانَ فَيُحْصِدُ الْخُسْرَانَ.

نادان دشمنی می کارد سپس زیان درو می کند.

۴- ذَهَبَتْ سُمَيَّةٌ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ.

سمیه به سوی مدیر مدرسه رفت.

۵- يَرْجِعُ الطَّلَابُ مِنَ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.

دانش آموزان از سفر علمی بر می گردند.



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل؛ اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث پیامبر اکرم ﷺ

۱- نیام: خفتگان «مفرد: نائم»  
۲- انْتَبَهُوا: بیدار شدند (بیدار شوند)

التَّمَرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ.

﴿رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾	﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾	﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾
به سوی آنها برگشتند	آنها را می شناسند	کسانی که ظلم کردند خواهند دانست

﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾	﴿وَلَا تَيْأَسُوا﴾	﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾
می دانم آنچه را که نمی دانید	نا امید نشوید	می گویند شنیدیم

﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾	﴿اسْتَخْرَجَهَا﴾	﴿ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ﴾
بیشترشان شکر نمی کنند	آن را استخراج کرد	برگرد به سوی پروردگارت

﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾	﴿فَجَعَلَهُمْ آيَةً﴾	﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾
به خودم ظلم کردم	آنها را پیشوایانی قرار می دهیم	قادر به چیزی نمی باشد

﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾	﴿اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾	﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾
به بهشت وارد شوید	چهره هایتان را بشوید	بیمرز ما را و رحم کن بر ما

﴿قَالَ فَاحْرُجْ مِنْهَا﴾	﴿وَاتْرِكِ الْبَحْرَ﴾	﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾
گفت پس خارج شو از آن	و ترک کن دریا را	در زمین جستجو می کند



## اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قَصِيْرَةِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْاِنْتَرْنِتِ، اَوْ مَجَلَّةٍ اَوْ كِتَابٍ، وَ  
تَرْجِمْهَا اِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِيْنًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.

در اینترنت یا مجله یا کتابی دنبال داستان کوتاهی به زبان عربی بگرد و به کمک لغت نامه عربی

به فارسی آن را به فارسی ترجمه کن

